فهرست

[پیشگفتار 2](#_Toc103203563)

[محور اول وضعیت موجود تربیت 2](#_Toc103203564)

[نکته دوم 3](#_Toc103203565)

[نکته سوم 3](#_Toc103203566)

[نکته چهارم 4](#_Toc103203567)

[نکته پنجم 5](#_Toc103203568)

[نکته ششم 5](#_Toc103203569)

[محور بعدی 6](#_Toc103203570)

[نکته هفتم 6](#_Toc103203571)

[نکته هشتم 6](#_Toc103203572)

[پرسش و پاسخ 8](#_Toc103203573)

**اعوذ بالله من الشیطان الرجیم**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین المنتجبین لا سیما بقیة الله الاعظم اروحنا لتراب مقدمه الفداه**

# پیشگفتار

خدمت حضار حاضر در جلسه سلام عرض می‌کنم همچنین خدمت دوستان مشارکت کننده در فضای مجازی عرض سلام و تهیت دارم و خداوند را شاکرم که دومین مدرسه فقه تربیتی را مشارکت موسسات مختلف و این جلسه با مشارکت فعال مدرسه امام کاظم علیه السلام و مدیریت مدرسه فقهی، مدرسه بهاره فقه تربیتی را خدمت دوستانی که ثبت نام کردند و همچنین دوستان حاضر در جلسه.

امروز به مثابه افتتاحیه این دوره آموزشی مجازی که به شکل مجازی و حضوری جلسات بعدی ترتیب داده خواهد شد جلسه افتتاحیه خدمت شما هستیم

بنده حدود ۲۰ دقیقه صحبت‌های مقدماتی را تقدیم خواهم کرد و در بخش در خدمت حضرت ایت الله اعرافی هستیم که به شکل مجازی متصل خواهند شد و صحبتهایشان را ایراد می‌فرمایند و تا آنجا که جلسه کشش داشته باشد و البته پرسش و پاسخ‌هایی مطرح شده باشد در خدمت دوستان هستم و در واقع پاسخگو خواهم بود.

با توجه به اینکه دومین مدرسه مجازی فقه تربیتی را برگزار می‌کنیم و احتمالا درصدی از مشارکت کننده در دوره قبلی هم حضور داشته باشند تلاش می‌کنم صحبت‌ها را با تفاوتی با صحبت‌های جلسه قبلی بیان کنم

ضمن محورهایی این ۱۵ دقیقه را خدمت شما هستم و در مورد منطق و چیستی فقه تربیت صحبت‌هایی را تقدیم می‌کنم امیدوارم مورد رضایت حضرت بقیة الله ارواحنا فداه قرار بگیریم.

به عنوان اولین نکته دوست دارم اندکی در مورد تربیت و تربیت‌پژوهی در دنیای معاصر صحبت بکنم و در نکات بعدی سراغ فصول بعدی از بحث خواهیم رفت

# محور اول وضعیت موجود تربیت

تربیت از دیرباز در جامعه بشری وجود داشته است تمدنها پایه‌هایشان بر اساس نظامات آموزشی استوار شده بود و هست تحولات تربیتی چه در قالب نظامات آموزشی و چه در قالب غیر نظامات آموزشی و موسسات آموزشی و تربیتی از دیرباز وجود داشته است از وقتی که انسان مدنیت را آغاز کرد و شهرنشینی را آغاز کرده است تحولاتی به تبع به چشم دیده شده است و تا اینکه رنسانس رخ داده است سپس انقلاب صنعتی، و تحولاتی که ما از آن به مدرنیته و دو سه قرن اخیر یاد می‌کنیم

در دو سه قرن اخیر پدیده‌ای به نام نظام اسکولینگ و مدرسه و نهاد مدرسه رخ نمود و نهاد مدرسه به عنوان یک نهاد مدرن که مسقط الراس آن بستر فکری و فرهنگی غرب مدرن بود خود زاییده تحولاتی بود و منشأ تحولات دیگر شده است.

بنابراین تاریخ مدرسه و مدرسه داری و تحصیل در مدرسه به معنای جدید مدرن قابل مطالعه است بنابراین آموزش و پرورش وقتی از این اصطلاح در فارسی استفاده می‌کنیم اشاره به نظام تربیت رسمی عمومی یا همان نظام اسکولینگ که در فارسی به آن آموزش و پرورش یاد می‌کنیم اشاره دارد

در فارسی وقتی گفته می‌شود آموزش و پرورش اشاره به یک وزارت خانه دارید که یک سازمانهایی به نام مدرسه را پشتیبانی می‌کند طبیعی است که مدرسه از مسجد و پایشگاه بسیج حوزه‌های علمیه دانشکده و دانشگاه‌ها و غیره جداست.

بنابراین تربیت همیشه در تمدن‌ها نقش آفرین بوده است و در تمدن موجود معاصر هم همچنان آموزش و تربیت نقش افرین بوده و هست به تبع آن هم تربیت پژوهشی و مطالعه درباره تربیت هم فراز و فرود‌های بسیار متعددی داشته که در واقع همگام با آن تحول نهادی به نام مدرسه علوم تربیتی هیئت و رخت جدیدی به خود پوشید نه اینکه رختی به تن نداشت

در کنار آن انبوهی از مطالعات تربیتی که اسم‌های مختلفی از آن ذکر می‌شود شکل گرفت و به یک تورمی از مطالعات تربیتی رسیده‌ایم که شروع آن از جهان غرب و مدرن است

به معنای بسندگی این مطالعات نیست اما این مطالعات همچنان در عرصه‌های مختلف فلسفی و تاریخی و تجربی و غیره ادامه پیدا می‌کند.

# نکته دوم

آینده‌های محتمل پیش روی ما در واقع در مطالعات آینده پژوهانه از آن صحبت می‌شود نویدهایی به ما می‌دهد یا تحذیرهایی را پیش رو می‌گذارند از این جهت که آینده‌های محتمل ممکن است تربیت را دچار مخاطره کند یا شکل دیگری از تربیت را به رخ بکشاند

به شکل کاملا ویژه ما مانور ویروس منحوس کرونا را دیدیم که به راحتی همه مناسبات انسانی و فرهنگی را به هم زد و مناسبات جدیدی را حاکم کرد. از جمله مناسبتی و مناسباتی به نام ارتباط مجازی و هستی‌های مجازی و آموزش مجازی و یادگیری الکترونیک و مجازی و…

بنابراین با یک آینده‌های مبهم و تاریکی در حوزه تربیت مواجه هستیم و تغییر در دیگران و مفاهیم از این دست که خود این هم مایه تحقیقات و تاملات جدید شده و اندیشمندان راجع به آن در حال فکر کردن هستند.

# نکته سوم

وضعیت خودباوری و اصلاح‌سازی علوم اسلامی و به تبع آن علوم تربیتی است در هر صورت انقلابی را که خمینی کبیر در عالم به پا کرد شعاع آن اولا و به ذات متفکران را در بر گرفت و ایده خودباورانه اسلامی‌سازی علوم در واقع به برکت این روح مسیحایی در کشورهای اسلامی رشد کرد و در واقع در ایران این ایده رشد کرد و گونه‌های مختلف تلاش برای اسلامی‌سازی در علوم رفتاری از جمله علوم تربیتی پیگیری می‌شود

به نظر می‌رسد که ایده فقه تربیتی یکی از این تلاش‌ها باشد تلاش برای اسلامی‌سازی تربیت و علوم تربیتی، منظور از تربیت یعنی عمل تربیت، علوم تربیتی ناظر به دانش تربیتی است و مطالعات تربیتی است با تفاوتی که بین عین و ذهن می‌گذاریم.

این نکته سوم که در واقع داوری خودم را گفتم که ایده تربیتی می‌تواند در این راستا قلمداد بشود که تلاشی است برای اسلامی‌سازی تربیت یعنی عمل برای تربیت یعنی عمل تربیت ساز و کارهای تربیتی، نهادها، ساختارها و رویه‌های تربیتی و متقدم بر آن اسلامی‌سازی علوم تربیتی

این هم نکته سوم که پرده‌ای از هویت فقه تربیتی گشودم و گفتم فقه تربیتی در این عمر بیست‌ساله خود گام‌های کوچکی در این مسیر در حال برداشتن است

# نکته چهارم

پرسش از خود فقه تربیتی است که چیست و چه چیز نیست اجمالا بگویم فقه تربیتی در واقع تلاشی فقیهانه و مجتهدانه در موضوعات تربیتی اعم از موضوعات خرد تا کلان است.

با این توضیحات این انتظار برای آن‌ها جدی می‌شود که این فقه از فقه‌های نو هست فقه‌هایی که فقه معاصر خوانده می‌شود و تلاش‌هایی که در دهه اخیر یا در مدیریت جدید حوزه‌های علمیه از آن زیاد سخن گفته می‌شود و یک جریان فکری و یک جبهه اجتهادی تشکیل شده است

این تلاش به لحاظ تبارشناسی حدود بیست سال است که با زحمت مستقیم حضرت ایت الله اعرافی و راهبری مستقیم ایشان در حال انجام است و کرسی درس خارج ایشان در واقع قدمتی بیش از بیست‌ساله دارد که تلاش ایشان این است که موضوعات تعلیم و تربیتی را از موضوعات خرد ناظر به فرزندپروری تا موضوعات کلان‌تر ناظر به مدرسه و نظامات و مناسبات حکم و موضوع در مدرسه تا موضوعات کلان‌تر نسبت به تنظیم‌گری و مقررات گزاری و سیاست گزاری در نظام آموزشی و فرهنگی و حتی بالاتر کلان‌ترین مسائل ناظر به مسائل آموزشی مثلاً سیاست گزاری آموزشی و یا حکم رانی آموزشی و تربیتی را به محک فقه نهاد.

در نکته چهارم فقه تربیتی تلاش مجتهدانه و فقیهانه است روشن است وقتی قید مجتهدانه اوردیم مثلا به مثابه قید احترازی عناوین دیگر خارج می‌شود پس تلاش فیلسوفانه نیست، و اگر فقاهت با میزانی که با فلسفه و تفلسف ارتباط دارد به همان میزان تلاشی فیلسوفانه است

پس فقه تربیتی تلاشی فیلسوفانه نیست تلاشی فقیهانه است.

# نکته پنجم

ممکن است این پرسش پیش آید که تلاش فقیهانه یعنی چه؟ کدام فقه و کدام اجتهاد و کدام استنباط؟

این فقه موجود معاصر و جواهری و فقهی که تلاش می‌کند هنجارها و ارزش‌های مکلفین و افعال مکلفین را تحصیل الاحجه بکند و حجت‌ها را بر افعال اختیاری تفصیل بکند

بنابراین دور نمایی که از فقه تربیتی بر می‌آید این است که احکام بایدها و نبایدها و مستحبات حتی مباحات دایره تربیت آب همه این طول و عرض از جزیی‌ترین مسائل تربیتی مثل در واقع زودن یک عادتی مثل انگشت مکیدن نوزاد و خردسال تا مسائل بسیار کلان جامعه، موضوعات ساحت سیاستکزای و ساحت حکمرانی تربیتی را می‌تواند در شعاع خود بگیرد و درباره آن سخن بگوید.

پس این نکته پنجم فقه که در واژه فقه تربیتی از آن صحبت می‌کنیم همین فقه جواهری است که تلاش می‌کند بایدها و نبایدها را استنباط بکند عن ادلة التفصیلیه مبتنی بر همان دقت‌های روشگانه‌ای که در فقه موجود وجود دارد و فقه شیعه افتخارش این است که متدولوژی خودش را وام دار دانش اصول هست.

# نکته ششم

اشاره‌ای به وضعیت موجود فقه تربیتی است، فقه تربیتی در این تلاش بیست و پنج‌ساله حضرت آیت الله اعرافی در چند جبهه تلاشهایی را به منصه ظهور گذاشته و چقدر موفق بوده داوری به عهده بینندگان خواهد بود ابتدا در حوزه تولید محتوا تولید علم و ادبیات، کرسی درس خارج ایشان تبدیل به حلقه‌های درسی می‌شده است و آن حلقه‌های درسی کلان پروژه سی جلدی موسوعه تمام استدلالی فقه تربیتی را به دنبال داشته است که پانزده جلد چاپ شده است از سال‌ها پیش حدود سال نود و پانزده جلد اتی هم در شرف انتشار است

این فقه تمام استدلالی است که موسوعه مفصلی است که تلاش می‌کند همه موضوعات را پوشش بدهد البته در تبویب آن کلان پروژه سی جلدی فقه تربیتی سناریوهای متعددی بوده است که اعتقاد داریم مسائل مربوط به تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش و تربیت رسمی و غیر رسمی، انقدر متنوع و گسترده و گوناگون است که همچنان حوزه‌های علمیه در این مسیر می‌توانند غور بکنند و هیچ وقت تمامی نخواهد داشت به خاطر اینکه صنف مسائل تربیتی مسائل نو شونده هست.

هم مصادیق جدیدی پیدا می‌کند و هم مسئله‌های جدیدی پیدا می‌کند

در گام دوم در حوزه تولید محتوا، اقدام به نگارش و تالیف و چاپ نیمه استدلالی شده است و سپس فقه فتوایی، همه اینها به همت موسسه اشراق و عرفان چاپ شده است

در حوزه تولید مقالات علمی پژوهشی مجله مطالعات فقه تربیتی با درجه علمی پژوهشی یا درجه B در این ترتیبات جدید وزارت علوم رتبه «ب» چندین شماره را به چاپ می‌رساند که هر مجله‌ای حاوی مقالات علمی پژوهشی است که به تولید ادبیات در این حوزه کمک می‌کند

# محور بعدی

تربیت منابع انسانی و تربیت مجتهدان تربیتی در این زمینه هاست و تربیت استاد و پژوهشگر در این حوزه هاست که موسسه اشراق و عرفان در این زمینه فعالیت می‌کند و در کنار آن جامعة المصطفی دوره ارشد و دکتری فقه تربیتی را سالهاست برگزار می‌کند

و شاید اگر به شکل تقریبی بگویم ده پانزده استاد در این فقه تربیتی تربیت شده اند. ده‌ها طلبه علاقه‌مند در این عرصه که پژوهش فقه تربیتی را انتخاب کرده‌اند به عنوان کار طلبگی و حوزوی.

از قبول زحمت حضرت آیت الله اعرافی، حضرت استاد اعرافی که پیشران و پیشگام تولید ایده فقه تربیتی و بسط اجتهاد و استنباط و نزدیک شدن به مسائل انسان معاصر و جامعه معاصر بودند تشکر می‌کنم.

# نکته هفتم

در واقع تجربه زیستی این فقه نو که شاید تنها فقه‌های نوینی باشد که در واقع ما بین الدفعتین چیزی وجود دارد برخلاف فقه‌های دیگری مثل رمز ارزها، فقه فضای مجازی و فقه کودک سخن گفته می‌شود ممکن است منبعی تولید نشده باشد یا در اوان کار باشد ولی فقه تربیتی بر خلاف فقه‌های دیگر چیزی روی میز هست و طلاب جوان و پژوهشگران هم می‌توانند بر اساس نگاه به آن آثار کتابها و مقالات و رساله‌های سطح ۳ و چهار در جامعه المصطفی نوشته می‌شود قابل داوری هست که آیا می‌توانند این مسیر را انتخاب بکنند این مسیر خوبی هست برای فرصت تحصیلی یا خیر.

به لحاظ انگیزشی فقه تربیتی می‌تواند یکی از گزینه‌های محتمل می‌تواند باشد پیشنهاد می‌دهم که با چشم باز مسیر را انتخاب کنید و آینده درخشانی را که حضرت استاد اعرافی ترسیم کردند و البته مسئولیت سنگین ما هم نسبت به نظام جمهوری اسلامی ایران و هم نسبت به جهان اسلام و آینده جهان اسلام و هم البته نسبت به زندگی فردی و تحصیلی و سرمایه‌های عمر خودمان مسئولیت‌های سنگینی هست که قاعدتاً باید در مسیر زندگی و مسیر علمی می‌توان هوشمندانه‌تر انتخاب کرد

بنابراین فقه تربیتی یک ریل و جاده خاصی است که می‌توان در آن قدم بگذارید و خود شما از پیش برندگان آن باشید یا رشته دیگری را انتخاب کنید بر اساس اقتضای علاقه و مطالعه پیشین و آینده

# نکته هشتم

توضیحی راجع به خود فقه تربیتی

ایده اصلی فقه تربیتی این است که مسائل تعلیم و تربیتی به محک فقه باید نهاده بشود و به تعبیر دقیقتر مفروضه اصلی فقه تربیتی این است که اسلام تربیت دارد این گزاره مهمی است این که ما به شکل قطعی و علمی و مجتهدانه از این صحبت بکنیم که اسلام تربیت دارد یا ندارد ممکن است برخی منکرین داشته باشد همچنان که از اقتصاد اسلامی و یا سیاست اسلامی حرفی زده می‌شود و برخی انکار می‌کنند و صداهایی شنیده می‌شود و در فضای علمی ایرادی ندارد باید گفتگو بشود اینکه اسلام اقتصاد دارد یا ندارد مکتب دارد یا چه دارد و همچنین راجع به تعلیم و تربیت هم همینطور است

در تراث اخلاقی ما توجه به تعلیم و تربیت به عنوان دانش مستقل نبوده است در منظومه علوم اسلامی علمی به نام تربیت نداشته‌ایم تا الآن، نه اینکه اموزه‌های اسلام به آن معطوف نبوده است نه اینکه مجتهدان و محققان و سالکان ما تربیت نداشته اند، اتفاقا داشته‌اند اما در بستر سنت اسلامی علمی به نام تربیت نداشته‌ایم، علم اخلاق و عرفان داشته‌ایم علم فقه داشته‌ایم و همه این‌ها هم پوشانی‌های با تربیت دارد اما در هر صورت علمی به نام علم تربیت نداشته‌ایم

مثلاً در کنار معراج السعاده که علم اخلاق اسلامی و علم سلوک است در کنار کتابهای عرفانی، عرفان نظری و عملی علم مستقلی به نام علم تربیت نداشته‌ایم شاید هم نیازی نداشتیم در هر صورت این سنت اسلامی و تاریخی ما هست

اما در دنیای معاصر به نظر می‌رسد تربیت یک امر نظام‌مند و سازمانی است و دولتی است خیلی جای کار دارد و شاهد آن این است که در دنیای مدرن علوم رفتاری و علوم تربیتی شکل گرفته است بارها گفته‌ام شانزده، بیست و یک یا بیست و سه بنا بر چند قول شاخه علمی و آکادمیک در حوزه مطالعه درباره تربیت و مدرسه و مربی و معلم و تکنولوژی آموزشی تاریخ آموزش و پرورش تاریخ نهادهای تربیتی و فلسفه تربیتی و غیره وجود دارد و همه اینها نشان می‌دهد که پاشنه اشیل تمدن اسلامی بر اساس آن مبانی که ما قبول داریم مطالعه درباره تربیت باشد

این حرف به این معنا نیست که اخلاق‌پژوهی را رها کنیم، یک ده نفر درمورد تربیت کار کنند و ده نفر بروند احیای اخلاق اسلامی بکنند و اخلاق‌پژوهی را در عرض فقه پژوهشی گسترش بدهند.

اینها در واقع جوانه‌های جدید حوزه‌های علمیه است که در کنار عرصه‌های جدید اگر از تورم فقه و اصول سخن می‌گوییم به این معنا نیست که فقه و اصول را کنار بگذاریم اما در کنار آن باید عرصه‌های دیگر عرصه‌های فلسفه‌های مضاف، عرصه‌های اخلاق‌های کاربردی و غیره باشد.

دفتر فقه معاصر خبر زده بود که یکی از ماموریت‌های جدید سال ۱۴۰۱ مدیر محترم حوزه‌های علمیه برگزاری کرسی‌های درس‌های خارج فلسفه‌ها و فلسفه‌های مضاف است، این خیلی افق‌ها بلندی است که پیش روست مثلاً یک کرسی فلسفه حقوق، کرسی فلسفه تربیت، کرسی فلسفه اخلاق در حوزه علمیه قم برگزار شود. در حال حاضر ظرفیت‌های زیادی در موسسات اقماری هست اما اینکه در بطن حوزه بیاید معضلات بزرگ فلسفه اخلاقی دنیای معاصر یعنی دقیقا حوزه علمیه با همه کینه ورزی‌های و نابسامانی‌هایی که داریم که به تعبیر حضرت استاد در دل جریان اصلی تمدن موجود قرار بگیرد و احیای تمدن بکند

این یک هدف گزاری بسیار بلند است. هدف من تشویق دوستان و ایجاد سؤال در بین دوستان هست و اسلام تربیت دارد برای اینکه استنباط بکنیم نظام اسلامی را در حوزه تربیت یکی از راه‌ها و یکی از شاخه‌هایی که لازم است عده‌ای کار کنند فقه تربیتی است. با تأکید می‌گویم یکی از شاخه‌ها و یکی از رشته‌ها، همانطور که تفسیر تربیتی قرآن یک کسی را می‌خواهد که عمر خود را در تفسیر تربیتی قرآن بگذارد. یک آدم می‌خواهد که عمر خود را در اخلاق تربیتی اسلام بگذارد. اینها را که می‌گویم اصطلاح است یعنی هر کدام مصطح خاصی دارد در کنار آن سیره و حدیث تربیتی و بسیار مهمتر فلسفه تربیتی به مثابه یک فلسفه مضاف که معضلات و پرسشهای بنیادین ناظر به نظام تعلیم و تربیت در محک عقل و نظام فلسفی اسلام قرار دهد.

نیاز آنی و عاجل خود حوزه علمیه به مثابه یک نظام آموزشی است اگر آموزش و پرورش رها بکند این تربیت فرزند در خانواده را رها بکنیم همین الآن نظام آموزشی حوزه یک سبک و الگویی دارد که همراه با پرسشهای فقهی است که می‌تواند به محک فقه نهاده بشود و در باره آن گفتگو بشود.

# پرسش و پاسخ

سؤال:

جواب: سؤال خوبی هست در سخن من می‌بینید فقه فردی پوست اندازی می‌کند به سمت فقه اجتماعی یا فقه حکومتی، یک وقتی تصور از فقه این است که احکام فردیه و شخصیه و فرعیه را تعیین بکند و کاری به جامعه ندارد اینکه انقلاب شد یا نشد برای فقه خیلی مهم نیست این یک نگاه، اما براساس مبانی می‌شود این را مستدل کرد که اگر گفتیم شخصیت حقوقی هم مکلف به احکام تکلیفیه و وضیعه می‌شود که عده‌ای بر این باورند شخصیت حقوقی یعنی نهادها، مثلاً خانواده، بانک، مدرسه، شرکت تجاری محکوم به احکامی هست اگر نگفتیم مکلف در فقه اشخاص حقیقیه هستند و اشخاص حقوقیه مکلف نیستند دیگر مانعی ندارد از این سخن بگوییم که حاکم اسلامی هم تکالیفی دارد، حاکم اسلامی یعنی شخصیت حقیقی حاکم اسلامی بما متلبس بمبدأ الحکومه بنابراین با اتخاذ این مبنا به راحتی می‌شود از این صحبت کرد

منتهی نکته‌ای که در سخن من بوده است من تعبیر حکمرانی را به کار بردم که معادل گاورننس گفته می‌شود از حکومت و حاکم جداست و آن دقتی در آن هست در هر صورت فقه تربیتی وقتی از باید‌ها و نباید‌های کلان می‌تواند و اجازه دارد صحبت کند این یعنی وارد حوزه سیاستگزاری شده است

اساساً فقه ما وقتی میگوید در حوزه قواعد فقهیه می‌گوید قاعده فقهی این است که نفی سبیل باید بشود یعنی در تمام روابط بین الملل جوری عملی کنید که سبیلی رخ ندهد سلطه‌ای بر مسلمین رخ ندهد این یک قاعده کلان است یک سیاست عام فراسازمانی و فراساحتی است که در همه حوزه‌های روابط بین الملل از اقتصاد و سیاست و فرهنگ تا دیپلماسی عمومی باید جوری عمل کنیم که سبیلی رخ ندهد این ظرفیت فقه ماست یعنی فقه ما جوری می‌تواند حرف بزند که به اصطلاح امروز نوعی سیاست را تقنین می‌کند

بنابراین منافاتی ندارد یک مبنا دارد و آن مبنا این است که اشخاص حقوقی هم مکلف به احکام وضعیه و تکلیفیه هستند با یک تفصیلی

چگونه هستند آیا شما بانک را در فلسفه اجتماع برخی می‌فرمودند اجتماع خود غیر از جمع جبری افراد و اشخاص جامعه، اجتماع خود یک هویت و ماهیت مستقلی دارد چه آن را بگوییم یا نگوییم می‌توانیم بگوییم رئیس بانک بما هو رئیسٌ احکامی دارد به ما هو پدر، احکامی دارد به ما هو اینکه راننده است احکامی دارد. و این در فقه ما خیلی رایج است

فقه می‌گوید قاضی وقتی بر کرسی قضاوت نشسته است نباید گرسنه باشد خیلی سیر باشد این اداب قضاوت است همین وقتی خانه می‌رود احکامی دارد چون پدر شده و شوهر شده

بحث مشتق که در اصول خوانده می‌شود عناوین که از یک اشتقاق برخوردار می‌شوند احکام هم بر آن بار می‌شود

بنابر این نباید استبعاد بفرمایید که فقه تربیتی می‌تواند در مسائل حکومتی آموزش و پرورش ورود کند

معلمی که در کلاس است بما هو معلم احکامی دارد بما هو اجیرٌ چون پول به او داده می‌شود احکام الاجاره بر او بار می‌شود بما هو مسلمٌ احکامی دارد بما هو ابٌ چون ممکن است که بچه یا نوه خودش در مدرسه باشد احکامی دارد یا بما هو حاکم یعنی کارگزار حکومت است یعنی نائب حکومت است وقتی امیرالمؤمنین مالک را می‌فرستد مالک نائب اوست یعنی این ساز و کار نیابت و وکالت و اجاره و مفاهیم از این دست در حوزه آموزش و پرورش می‌تواند دخیل باشد بما هو عالم اگر یک معلم مدرسه دکتری علوم قرانی گرفته است یا روحانی است این بما هو ملبسٌ یعنی لباس روحانی دارد احکام دارد

اینها مکانیزم و ظرفیت علم فقه است که می‌تواند در این عرصه حکمرانی و حاکمیت آموزشی کمک کند.

سؤال:

جواب: تربیت یعنی یک فرایند برنامه ریزی شده دارای اهداف و اغراض است که تغییراتی را در انسان دیگر به نحو کمال و سعادت و مطلوب رخ می‌دهد و فقه تربیتی هم بابی از ابواب فقه که قرار است در مورد فرایند تعلیم و تربیت کار کند.

سؤال:

جواب: علی القاعده اصول فقه موجود لازم و مفید است و بدون تمحض در اصول فقه موجود ورود به علم فقه جدید کار دشوار و خطرناکی است تا وقتی از تراث اصولی خود فاصله بگیریم ورود به عرصه‌های جدید فقهی خطرناک است و به استحسان و سد ذرایع. . منجر می‌شود اما اینطور هم نیست که افق گشایی در فقه تربیتی به افق گشای در اصول فقه منجر نشود کتاب الفائق تلاشی برای بسط علم اصول ناظر به مسائل روز می‌باشد بنابراین انتظار این است که عرصه‌های اخلاقی و عرصه‌های سلوکی و عرصه‌های تربیتی ممکن است در اصول فقه یا نحوه استنباط ما تغییرات مختصری ایجاد بکنند و باید به استقبال آن رفت و آن تغییرات را با نگاه آخوندی و شیخ انصاری پیش برد و مغتنم شمرد.

سؤال: آیا تجربه می‌تواند جزء منابع فقه تربیتی باشد

جواب: مثلاً مطالعات ازمایشگاهی و تجربی در علوم تربیتی موجود استفاده می‌شود پس به تبع در فقه تربیتی از تجربه بهره بگیریم

جواب این است که هم بله و هم نه

فقه موجود از تجربه بهره نمی‌گیرد در مقام کشف و استنباط بهره نمی‌گیرد چون به دنبال مدالیل لفظیه و لبیه متون مقدس است و قرآن و روایات را تفسیر می‌کند و بر اساس آن احکام را استنباط می‌کند اینجا تجربه خیلی دخالت ندارد تجربه یعنی آن تجربه‌ای که انسان و دانشمند انجام می‌دهد

بله در مقام امتثال تجره أثر گذار است کما اینکه می‌گوییم عرف خاص أثر گذار است یا حتی در مقام استکشاف هم جاهایی می‌گوییم بناء عقلا أثر گذار است.

علوم تربیتی موجود می‌گوید ما مطالعات گسترده‌ای در استان‌های مختلف کردیم دیدیم که عامل ایکس بر افت تحصیلی دانش اموزان أثر گذار است، منطق استقراء ناقص است هر چه سطح سواد والدین افزایش پیدا بکند افت تحصیلی کاهش پیدا می‌کند در واقع تأثیر مستقیم دارد این به لحاظ منطقی استقرا است بر اساس این اموزه‌ها و تجویزات تربیتی بنا می‌شود اساس روانشناسی و علوم تربیتی موجود همین است اما شریعت اسلامی اینگونه نیست.

سؤال:

جواب: دوستم فرمودند منظور از فقه تربیتی، فقه الحکم است یا الگوریتم‌ها یا چگونگی وصول به آن اهداف تربیتی مد نظر است جواب این است که فقه الحکم مد نظر است چون تلاش برای چگونگی وصول در دانش دیگری به نام دانش تربیت اسلامی با همین عبارت در حال انجام است و آن کار زمین مانده این است اما در حوزه تربیت اسلامی کار می‌شود ممکن است گفته شود ناقص است بله ناقص است باید متراکم‌تر بشود

به لحاظ ثبوتی دیدیم یک چیزی روی زمین است فقه الحکم روی زمین است اما چگونگی وصول کار می‌کنند، فلسفه تربیتی، روانشناسی تربیتی به یک معنای خاصی کار می‌شود حتی کار میدانی و تجربی می‌شود حتی دانشگاه تهران و فردوسی مشهد انجام می‌شود در جهان عرب هم کار می‌شود که آنجا مجاز هستیم از تجربه بهره بگیریم چگونه می‌شود افت تحصیلی را کاهش داد چگونه می‌شود محبت اهل بیت را افزایش داد؟

چگونگی را باید تجربه کرد و خطا کرد و ازمایش کرد. اما آن کسی که بیست سال پیش به فکر افتاد دید فقه التربیه روی زمین مانده است و حال اینکه کدام مهمتر است؟ هر دو مهم است. ما همچنان در مطالعات آزمایشگاهی نقص داریم و کوتاهی هم داریم. طلبه‌ای که کفایه خوانده است خیلی سخت است که مطالعات ازمایشگاهی بکند باید ریاضی بخواند اما دانشجوی مسلمان خودباوری که دکتری روانشناسی گرفته است و البته مرعوب غرب نشده است از او انتظار داریم که مطالعات اسلامی در این زمینه کند.

مثلاً در حوزه حجاب، واقعاً چه کار باید کرد که حجاب نهادینه شود؟ توسعه دانشکده‌های علوم تربیتی چیست؟ آن‌ها که خودباور هستند

بنابراین طلبه‌ای که کفایه خوانده است می‌تواند در حوزه چگونگی وصول قدم بزند اما چرخ را نباید از ابتدا اختراع بکند الآن دو سه قرن است که علوم تربیتی به وجود آمده است و پیش می‌رود و در این چهل سال در حوزه تربیت اسلامی در قم و جهان عرب کار می‌شود و البته کم است و آنچه وجود نداشت فقه الحکم بود و اتفاقا به ما متناسب‌تر است و ما که فقط کفایه خوانده‌ایم و علوم انسانی نخوانده‌ایم این راحت‌تر است

فقه الحکم آیا جای آن را می‌گیرد؟ خیر بلکه مشوق آن است اینکه می‌گوییم بر حاکم اسلامی واجب است که این کار را بکند و در نوع سیاست گزاری این گونه عمل بکند آن وقت ده‌ها پروژه و کلان و پروژه طراحی بشود که بگوییم چگونگی وصول است الآن در مثال حجاب که زدم چیست آیا حکم حجاب را نمی‌دانیم، می‌دانیم آن چگونگی است چون رسانه را نمی‌شناسیم و فضای عصر مدرن را نمی‌شناسیم جوری عمل می‌کنیم و البته معاندت زیاد است مثلاً ممکن است بگوییم در حوزه حجاب ما پیروز نیستیم

سؤال: برای استخراج مسائل و گزاره‌های فقه تربیتی چند درصد از امارات و چند درصد از اصول عملیه استفاده شده است به صورت تقریبی؟

جواب: علی القاعده اصول عملیه در فقه تربیتی به کار می‌رود و درصد را نمی‌توان گفت.

سؤال:

جواب: سؤال کردند آیا این خطا نیست شما می‌گویید ما فقط فقه الحکم هستیم و مقام اجرا به ما ربطی ندارد این تجربه چهل‌ساله انقلاب اسلامی این بوده است که حدود حجاب را تعیین کردیم اما در حجاب در میدان و در عملیاتی‌سازی حجاب یا عملیاتی‌سازی بانکداری و اقتصاد شکست خوردیم.

در پاسخ توضیحاتی را باید بگویم گفتم فعلاً فقه الحکم است فقه تربیتی فعلاً فقه الحکم است یعنی در آینده آن خطری که شما می‌گویید بالاخره استناد به اسلام عن دلیل باشد و اتفاقا فقه تربیتی مسیر همان را باز می‌کند یعنی ما دیدیم که مطالعات تربیت اسلامی در جاهایی که تلاش می‌کند به اسلام استناد بدهد لغزیده است یک حرفی از پیراژه می‌دهد بعد هم می‌گوید قال رسول الله فلان نه سند و نه دلالت، هیچ کدام را بررسی نمی‌کند این نگاه در دهه شصت و هفتاد خیلی مرسوم بود بعدا مورد انتقاداتی قرار گرفت در قم که پژوهشهایی که در حوزه علوم انسانی می‌گرفته است می‌گفتند نگاه سنجاقی به اسلام می‌شده است. اتفاقا می‌گویم که معال همین است به این معنا که فقه تربیتی نوید بخش استنباط روش‌مند معارف تربیتی از اسلام است

آن عرصه‌ای که دیگران کار می‌کنند اصطلاح علم دینی در ادبیات موجود پیگیری کنید علم موجود یعنی ساینس، علوم تجربی موجود را اسلامی بکنیم که موافقین و مخالفانی دارد

بنابراین به شکل خاص علم تربیت اسلامی، علم اینجا به معنای ساینس و علوم تجربی و تربیتی منظور است به شکل خاص در قم در حوزه روانشناسی با همین عبارت در حال کار است

کودک هفت‌ساله را چگونه خدا را به او آموزش بدهیم، قصه ذبح ابراهیم علیه السلام را در کتابها به او بگوییم یا نگوییم آنجا که گفتیم چه شد و آنجا که نگفتیم چه شد متغیر مستقل و متغیر وابسته، میدانی باید کار بشود

مثلاً بچه‌های خوزستانی این عکس العمل را داشته‌اند و بچه‌های کرمانی این عکس العمل را داشته‌اند این آسیب را در پی داشته است یا نداشته است؟ مفهوم دعا را چگونه آموزش بدهیم؟ دقیقاً روانشناسی رشد دینی روی آن کار می‌کند

بنابراین این که گفتم دو عرصه کاملا مستقل است علم دینی باید کار خودش را انجام بدهد فقه تربیتی هم باید کار خود را انجام بدهد.

آنجا که علم دینی (علم دینی اصطلاح است نه به معنای علوم اسلامی، رجال هم علوم اسلامی است و تاریخ هم به یک معنا علوم اسلامی است) علم دینی در اصطلاح خود آنجا که می‌خواهد حرف عن حجة بزند نیاز به استنباط و اجتهاد دارد چه اجتهاد حکمی و چه اجتهاد فقه اکبری، یعنی عن دلیلٍ و عن حجةٍ باشد مولا این را گفته است و امام صادق علیه السلام منظورش این باشد

نکته دوم اینکه حجاب که مثال زدم منظورم مجریان نبود که کلی خیانت می‌کند این نقصهایی در اجرا است و مدیران اشکال دارند در مقام نظر علم دینی یا علوم انسانی و اسلامی یا علوم تربیتی اسلامی تلاشش این است که نحوه وصول به اهداف را بررسی کند که کدام راه مصاب‌تر است و حتماً هم مطالعات بومی می‌خواهد و نمی‌توان گفت امریکا مطالعه کردند و اینجوری بود ممکن است بچه‌های ایرانی اینجور نباشند. این کار تجربی می‌خواهد

در چهارچوب کلی ما فقه تربیتی فقط تربیت رسمی عمومی نیست آموزش عالی را هم شامل می‌شود کما اینکه حوزه علمیه سطح و خارج دارد مشمول بحث هست